سوالات مرتبط با تدوين چشم انداز

1. مهم‌ترين انتظارات ذينفعان بالادستي از حوزه فناوري اطلاعات در دين کدام است؟

اين افراد را مي‌توان به دو گروه تقسيم كرد؛ گروهي كه به دليل اعتقاد راسخ و ايمان قوي به اهداف و آرمان‌هاي متعالي انقلاب اسلامي در تلاش هستند فن‌آوري اطلاعات را كه يك ابزار قدرتمند در اختيار امپرياليسم رسانه‌اي غرب است، در اختيار اسلام قرار دهند و اگر حتي نتوان از آن براي تبليغ دين استفاده كرده، حداقل ضايعه‌هاي غربي را از آن زدود. امّا گروه دوم اقليتي هستند كه به دليل اقتضائات اجتماعي دوران پس از انقلاب براي رشد درجه و مقام و موقعيت سياسي- اجتماعي خود تلاش مي‌كنند گزارش‌كارهاي طويل و مفصل براي خدمت خود به اسلام و انقلاب فراهم نمايند. اين گروه دوم بيشتر به سوي كارهاي نمايشي تمايل دارند و كم‌تر زيربنايي به اين حوزه مي‌نگرند. گروه اول نيز تجربه نشان داده به سادگي توسط گزارش‌هاي ساختگي گروه دوم فريب مي‌خورند و باور مي‌كنند واقعاً كارهاي مؤثري در اين حوزه صورت پذيرفته است!

در هر صورت انتظارات گروه اول را مي‌توان در گزاره‌هاي ذيل خلاصه كرد كه طبيعتاً گروه دوم هم با نمايش در همين گزاره‌‌ها كسب مقام و موقعيت مي‌نمايند:

* + - 1. نمايش عظمت و قدرت شيعه بر صحنه اينترنت، با ايجاد سايت‌هاي مذهبي بزرگ
			2. توليد نرم‌افزارهاي اسلامي پرطمطراق با گرافيك‌هاي بسيار قوي و ظاهري شيك
			3. به‌‌كارگيري آخرين و به‌روزترين فن‏آوري‌هاي دنيا در فعاليت‌هاي مذهبي
			4. اختراعات و ايجاد نوآوري در فن‏آوري به نحوي كه ايران را در صدر اخبار جهان قرار دهد و امكان فخرفروشي در عرصه فن‏آوري فراهم نمايد كه به تبع اسلامي بودن اين كشور، به نوعي تبليغ دين اسلام محسوب مي‌شود
			5. استفاده از الگوي متناظر، به نحوي كه به ازاي هر سايت معروف در دنيا، يك سايت مشابه آن در ايران تأسيس شود، تا عظمت اسلام را نشان دهد
1. مهم‌ترين فرصت‌ها و نيازهاي پيش رو براي توسعه کاربري فناوري اطلاعات در دين کدام است؟

فرصت‌ها را در سه حوزه مي‌توان دسته‌بندي كرد:

* + - 1. قلمرو و گستره جهاني: دنياي امروز در شرايط عجيبي قرار گرفته است. گويا آن‌طور كه آويني فرمود، غرب درب‌هاي قلعه خود را به روي جهان گشوده است. او براي هجمه به فرهنگ امروز دنيا و ايجاد دهكده جهاني آرماني خود،‌ ناگزير شده تمام دروازه‌هاي خود را بگشايد، تا خروجي پرقدرتي ايجاد نمايد. حال اين‌كه همين دروازه‌ها مي‌تواند ورودي فراخي براي هجمه به تمدن غرب محسوب شوند. اين فرصتي است كه پس از قرن‌‌ها براي ما فراهم شده است و بايد سريع از آن بهره برد. همان‌طور كه غرب مي‌تواند امروز با كودكان و جوانان و نوجوانان ما، زن ومرد، مستقيم ديالوگ نمايد، ما نيز متقالباً مي‌توانيم با تك‌تك شهروندهاي كشورهاي غربي و ملل غير مسلمان از نزديك مباحثه داشته باشيم و با توجه به قدرت برتر ايمان اسلامي نيست به تمامي مكاتب ديگر، از منظر برهاني بودن، قطعاً امكان فرآوري هزاران «آنيلي» وجود دارد.
			2. قلمرو ذي‌نفان بالادستي: اين گروه كه بودجه‌ها را در اختيار دارند، به دليل فتنه‌هايي كه غرب در سال‌هاي اخير پديد آورده، كاملاً قانع شده‌اند كه بايد در حوزه فن‏آوري اطلاعات و دين خرج نمايند. قطعاً اين نيز فرصتي است كه در سال‌هاي قبل در اختيار نبود. روزهايي در خاطر هست كه براي ايجاد يك سايت كوچك در فلان دفتر مذهبي ساعت‌ها بايد مسئول را توجيه مي‌كرديم و مي‌گفت: «سايت براي چي؟». امّا امروز به سادگي مي‌پذيرند ميليون‌ها تومان براي يك سايت هزينه نمايند. اين نيز فرصتي بزرگ است.
			3. قلمرو دانش‌پذيري جوانان: كتاب‌هاي زيادي ترجمه شده است به فارسي در آموزش فن‏آوري‌هاي نو. اينترنت هم ابزاري شده براي يادگيري فن‏آوري‌هاي به‌روز. حجم زياد جواناني كه امروز مسلّط به فن‏آوري شده‌اند فرصتي شگرف براي تعالي رابطه دين و فن‏آوري در عصر حاضر است.‌
1. مهم‌ترين چالش‌ها (ضعف، قوت، تهديد) در حوزه کاربري فناوري اطلاعات در دين کدام است؟

چالش‌ها نيز به طرز عجيبي با فرصت‌ها تناظر يك به يك دارند:

* + - 1. هجمه جهاني: اگر دشمن دروازه‌هاي قلعه خود را گشوده است، براي هجمه‌اي سراسري و جهاني و همه‌جانبه است. شدت اطلاعاتي كه توليد مي‌شود و حجم فراوان آن و خصوصاً پيوندي كه اين حجم داده‌ها با ساختار فن‏آوري‌هاي توليد شده در غرب دارند، شرايطي را فراهم آورده است كه از يك سو، به‏كارگيري فن‏آوري در عرصه نيازهاي ديني دشوارتر از استفاده آن‌ها در مسيرهاي لغو و بيهوده است و از سوي ديگر، تا يك سايت يا نرم‌افزار از سوي ما توليد شود، هزاران سايت و نرم‌افزار منحرف‌كننده از سوي دشمن توليد شده است.
			2. ناداني ذينفعان بالادستي: مديران اگر چه نسبت به اصل نياز به حضور مذهبي در عرصه فن‏آوري اطلاعات توجيه شده‌اند، امّا نسبت به ساختار اين ابزار كاملاً بيگانه و نا‌آشنا هستند. به چند نماي ظاهري فريب مي‌خورند و هنگامي كه يك پروژه واقعي و عظيم به آن‌ها عرضه مي‌شود، عمق پروژه را درك نكرده و نمي‌پذيرند. به چند لوگو و كار تبليغاتي مي‌توان بسياري از مديران را سركيسه كرد و بودجه‌ها را به جاي صرف شدن در پروژه‌هاي قدرتمند مذهبي، مصرف امور بيهوده و بي‌صرفه نمود.
			3. ضعف ايمان جوانان: هر چه زمان مي‌گذرد، اگر چه جوانان ما به فن‏آوري‌هاي نوين مسلّط‌تر مي‌گردند، ولي به دليل رها بودن سامانه آموزش و پرورش در كشور كه در سال‌هاي اخير آسيب آن جدّي‌تر شده است، جوانان از ايمان و مذهب دورتر مي‌شوند و نسبت به انقلاب تعصب كمتري از خود نشان مي‌دهند. در اوج دوراني هستيم كه پول و ثروت‌اندوزي تبديل به آرمان جوانان مي‌شود و استفاده از آنان براي توسعه فن‏آوري‌هاي مرتبط با دين دشوارتر مي‌گردد.
1. تصوير مطلوب براي کاربري فناوري اطلاعات در حوزه دين (تبليغ، آموزش، پژوهش، خدمات و اطلاع‌رساني، و ...) کدام است؟

اصلي‌ترين عنصر در ترسيم هر تصوير مطلوبي، قدرت ساماندهي «نيروي انساني» است. ما اگر بتوانيم شرايطي را فراهم آوريم كه به بهترين وجه افراد متخصص جامعه بتوانند دسترسي به «سرمايه» و «اطلاعات» و «مجوز»هاي مورد نياز براي فعاليت مذهبي و ديني داشته باشند، جامعه به طور طبيعي در مسير خواسته‌ها و آرمان‌هاي خود حركت خواهد كرد. اگر فعاليت پرورشي انقلاب را بازسازي كرده و انگيزه‌هاي ايماني را ترويج دهيم، بر مبناي «لا اكراه في‌الدين» اگر تنظيم شود، به صورت خودبه‌خود بيشتري آثار حاصل شده در مسير توسعه مباني ديني و مذهبي خواهد شد. دقيقاً همان اتفاقي كه در انقلاب افتاد. هيچ سازمان يا نهاد دولتي و حاكميتي نمي‌تواند در تمامي حوزه‌ها به‌درستي فعاليت نمايد. بايد جهت حركت را ترسيم كرد و امكانات را به شايستگان رساند. مطلوب‌ترين تصويري كه مي‌توانم تصور كنم اين است كه «ابزار» و «امكانات» در اختيار افراد شايسته بر اساس يك مكانيزم پويا قرار گيرد. گام بعدي را شايستگان طي خواهند كرد!

1. چه سياست‌ها و اقداماتي براي تحقق تصوير مطلوب لازم است؟

ما نمي‌توانيم شايستگان را بيابيم و ابزارها و امكانات و اطلاعات را در اختيارشان قرار دهيم. زيرا پس از آن در مدت كوتاهي آن‌ها به دليل نزديك شدن به «قدرت» و «ثروت» در مظان از دست دادن شايستگي قرار مي‌گيرند و دوباره همه چيز به وضع نابه‌سامان خود باز مي‌گردد. بلكه ما بايد «سامانه شايسته‌سالار» طراحي و حاكم كنيم. مكانيزم‌هاي هوشمندي كه افراد شايسته در آن بالا آيند و افراد از دست داده شايستگي به صورت هوشمندانه پايين بروند. چنين غربالي امروز در تمامي بنگاه‌‌هاي اقتصادي ايجاد مي‌شود و به صورت يك نورم اجتماعي به كار مي‌رود. به صورتي كه اگر يك مدير نتوانست مطلوبيّت‌هاي سود سهام‌داران را فراهم نمايد به صورت خود‌به‌خودي از سيستم حذف مي‌شود و امثال «شهرام جزايري» كه بتوانند بهره پول را بيش‌تر از ديگران بپردازند خودبه‌خود بالا مي‌آيند. مشابه همين سامانه را بايد در عرصه فرهنگ طراحي و راه‌اندازي نماييم. پس از آن ديگر كار عمده‌اي نخواهيم داشت جز اين‌كه به اين مخلوق خود بنگريم و از عظمت و رشد آن بهره‌مند شويم!

سوالات مربوط به تحليل وضع موجود

1) مهمترين توانمندي‌هاي موجود در وضعيت فعلي کاربري فناوري اطلاعات در دين کدام است؟

به نظرم همان فرصت‌ها كه ذكر شد، توانمندي‌هاي موجود باشند.

2) مهمترين چالش‌هاي موجود در وضعيت فعلي کاربري فناوري اطلاعات در دين کدام است؟

چالش‌ها در بخش قبلي بيان شد.

3) کدام کارکردها و موضوعات محتوايي در شرايط فعلي بيشتر مورد توجه قرار گرفته است و به کدام کارکردها کمتر توجه شده است ؟

كاركردهاي اطلاع‌رساني بيشترين بخشي از فن‏آوري بوده كه در عرصه مذهب به كار گرفته شده، ولي نسبت به كاركردهاي آموزشي، پژوهشي و ارتباطي هنوز توجه كافي مبذول نشده است.

4) آيا شباهت‌ها و موازي‌کاري خاصي بين مراکز موجود است؟ بهترين ابزارها براي ايجاد هم‌افزايي بين مراکز و هم‌چنين حمايت از آنها کدام است؟

مهم‌ترين ابزارهاي نمايشگر «فعاليت‌هاي موازي» و «فضاهاي خالي از كار» كه وظيفه جهت‌دهي فعاليت‌هاي فن‏آوري را بر عهده دارند، ابزارهايي هستند كه با پيشوند «متا» بيشتر به آن‌ها اشاره مي‌شود. سازوكارهايي كه بايد از يك‌سو «استانداردسازي» را بر عهده داشته باشند و از سوي ديگر «تجميع فعاليت»ها در هر عرصه را به نمايش بگذارند. تا زماني كه سازمان‌هايي فهرست‌برداري از نهادها و فعاليت‌هاي آنان را بر عهده نگيرند، نمي‌توان به هم‌افزايي اميدي داشت. مثلاً در عرصه علوم غربي ISI اين وظايف را بر عهده دارد. در حوزه علوم اسلامي ما هنوز كار مشابهي نداشته‌ايم كه شايسته ذكر باشد.

6) به نظر شما سياست‌هاي مهمي که براي تقويت و يا هدايت اين مراکز، بايد از طرف نهادهاي حاکميتي مورد توجه قرار گيرد چيست؟

ايجاد فرصت و انگيزه براي پاره‌اي نهادها و سازمان‌ها كه وظيفه فهرست‌برداري و گزارش به‌روز فعاليت‌هاي تخصّصي را بر عهده بگيرند. اين كار نياز به طراحي سازوكارهايي براي سودآور بودن اين‌گونه فعاليت‌هاي مرتبه دوم دارد.

7) با توجه به روندهاي جهاني فناوري اطلاعات، سرعت همگامي مراکز حوزوي با اين تحولات چگونه است؟

بسيار ضعيف است و دليل آن ناآشنا بودن با طبيعت اين‏گونه فعاليت‌هاست. ما تا حقايق اين ابزار را نشناسيم، نمي‌توانيم با آن به بهترين شكل كار كنيم.

8) ميزان موفقيت موسسات در جلب مخاطبان عام و خاص و مهمترين چالش‌ها در اين حوزه کدام‌اند؟

از يك‌سو گسترده بودن ابزارهاي دشمن در جذب مخاطبان و از سوي ديگر ضعف ما در شناسايي نيازهاي مخاطبان و سبك پاسخگويي به آن، سبب شده موفقيّت مؤسسات طرف ما بسيار كم باشد.

9) وضعيت زير ساخت‌هاي فناوري اطلاعات منطقه قم در مقايسه با روندها و اهداف چگونه است و چه اقداماتي بايد در اين حوزه انجام شود؟

شما يك سايت بيابيد كه - فقط- فهرست نهادهاي حوزوي فعّال در عرصه فن‏آوري را نمايش دهد، آيا مي‌توانيد؟! زيرساخت‌ها شامل ابزارهايي مي‌شوند كه «ابزار، سرمايه، اطلاعات و نيروي انساني» را فراهم كند. از همه مهم‌تر سامانه‌هايي است كه فهرست دقيق و به‌روز همين چهار عنصر را ارائه نمايد. ما اگر فهرست نيروي انساني را نداشته باشيم، براي هر پروژه‌اي دستمان در پوست گردوست كه از چه متخصصي مي‌توانيم استفاده كنيم و به ناچار به سراغ پسرخاله و دوست و رفيقي مي‌رويم كه صلاحيت كافي را ندارد. اگر سخت‌افزار، يا نرم‌افزار يا پهناي باند خاصّي را نياز داشته باشيم و همين‌طور اگر به دنبال سرمايه‌گذار مي‌گرديم، خيلي‌ها هستند كه اهل سرمايه‌گذاري هستند در اين عرصه‌ها،‌ ولي نمي‌دانند بايد به كجا مراجعه كنند. كسي كه اطلاعات مثلاً روستاهاي ايران را نياز دارد، ما اطلاعات زيرساختي را به صورت منظّم و به‌روز عرضه نمي‌كنيم. كسي كه مثلاً فهرست تمامي سايت‌هاي وهابيت را بخواهد داشته باشد، از كجا بگيرد؟ فوراً پروژه تعريف مي‌شود براي شناسايي، بعد هم مي‌بينيم چند پروژه با همين نام در چند مركز انجام شده است و ما بي‌خبر بوده‌ايم! بايد اين چهار عنصر را خبررساني كنيم به صورت به‌روز.

10)مهمترين ابزارهاي فناوري اطلاعات که در شرايط فعلي مورد استفاده قرار مي گيرند کدامند؟ميزان اثربخشي اين ابزارها تا چه اندازه است؟چه ابزارها يا امکانات فناوري اطلاعات مورد غفلت قرار گرفته است

به اطلاع‌رساني در اينترنت، نرم‌افزارها در ديسك‌هاي نوري و البته نرم‌افزارهاي موبايل توجه شده است. امّا دو اشكال قابل توجه است؛ از يك سو ارتباط هدفمند ميان اين سه عنصر مغفول بوده و از سوي ديگر به جنبه‌هاي آموزشي، پژوهشي و ارتباط اجتماعي و انساني در ابزارهاي توليد شده توجه نشده است. مثلاً اگر نرم‌افزار «جامع فقه» ايجاد مي‌كنيم، بايد امكاني در اينترنت پديد آوريم كه هر كس مايل بود بتواند حاشيه‌نويسي‌هايش در اين نرم‌افزار را با يك كليك ساده در يك فروم اينترنتي به اشتراك گذارد. تصور كنيد بتوانيد در كنار استفاده از اين نرم‌افزار، به حاشيه‌هايي كه فلان عالم ديني نوشته است دسترسي داشته باشيد، چقدر متفاوت خواهد بود؟!

سيدمهدي موشَّح - 10/4/1390